

جامعه اسلامی و نقش پلیس در تحقق امنیت آن

پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۳۱

دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲۵

دکتر محمد نادری^۱

چکیده

در این که امنیت یکی از نیازهای اولیه انسان می‌باشد، جای بحث نیست و با توجه به رسالت انبیای الهی مبنی بر برقراری عدالت در جامعه برای ایجاد زمینه آن نیز که امنیت باشد، تلاش فراوانی کرده‌اند و در جامعه اسلامی امروز ما نیز همان نیاز بیشتر از گذشته وجود دارد و نه تنها در یک زمینه، بلکه در تمام زمینه‌ها نیاز به امنیت اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، معنوی و ... ضروری است. حتی در مباحث اعتقادی نیز اگر امنیت وجود نداشته باشد، افراد نمی‌توانند با فکر و اندیشه صحیح به اعتقاد درستی راه پیدا نمایند. چنان که در قرآن و روایات این امنیت همیشگی و لازم شمرده شده است و پیامبران پیشین برای رسیدن جامعه به آن از خداوند درخواست جانشینان صالح را داشتند، تا تلاش آنان در برقراری امنیت بی‌نتیجه نماند.

امیرالمومنین علی (ع) یکی از اهداف رفیع تشکیل حکومت اسلامی را تأمین و برقراری امنیت در جامعه می‌داند. البته همه اقسام آن را مدنظر دارند. حتی اجتماع سالم محال است بدون امنیت دوام پیدا نماید. در این میان آن چه خود را از همه بیشتر در برقراری و حفظ امنیت نشان می‌دهد، متولیان امر هستند و می‌توان گفت پلیس (البته به معنای عام) قشری است که نقش اساسی و مهمی را در برقراری و حفظ و نگهداری امنیت ایفا می‌کند و بر همین اساس راه‌هایی را باید در پیش بگیرد که بتواند به این هدف مهم دست یابد. در این مقاله به چندین راه اشاره شده است که عبارتند از: رفق، مدارا و ملامت و مهربانی، اخلاق خوش و برخوردار بودن از معاشرت صحیح و قابل قبول که این مرحله نقش اساسی را ایفا می‌کند و در قرآن کریم هم به عنوان عباد الرحمن معرفی شده‌اند. اینان کسانی هستند که روی زمین فروتنانه راه می‌روند و چون نادانان ایشان را مخاطب می‌سازند سلیمانه و با حلم پاسخ می‌دهند و چون بر امر لغوی بگذرند کریمانه می‌گذرند^۲ و با اخلاق خوشی اعتماد افراد جامعه حاصل می‌گردد و با حصول اعتماد روح آرامش و آسایش به جامعه اعطا می‌شود.

کلید واژه

امنیت (Security) / جامعه اسلامی (Society) / عدالت (Justice) / پلیس (Police) / انبیاء (Messenger's) / اسلامی (Islamic) / انتظامی (Disciplinary).

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۲. سوره فرقان، آیه ۶۳ و ۷۷.

امنیت مسئله‌ای به قدمت تاریخ بشر است که با حیات انسان در ارتباط بوده و هست و نه تنها زندگی انسان توأمان با امنیت بوده، بلکه دغدغه اصلی او در طول زندگی، امنیت حفظ و نگهداری آن بوده است. با توجه به موضوع امنیت جامعه اسلامی و نقش پلیس در حفظ آن، اهمیت این مسئله دو چندان شده و از این جهت که موضوع جامعه اسلامی است باید در چنین جامعه‌ای سعی شود معیارها و ملاک‌های اسلامی حفظ شود؛ هر چه از عمر آن می‌گذرد به دستورات و فرامین الهی بیشتر عمل شود، تا شاهد شیرین فرامین الهی به کام مردم آن جامعه ریخته شود. این مهم حاصل نخواهد شد مگر این‌که حفظ آن برتر و بالاتر باشد. برقراری امنیت مهم است، ولی حفظ و نگهداری آن مهم‌تر می‌باشد؛ زیرا تا زمانی که امنیت با دوام و پایدار وجود نداشته باشد، ضمانتی برای اجرای احکام الهی و استدامت آن وجود ندارد. با توجه به این نکته است که نقش و ضرورت وجود نیرویی به عنوان پلیس برکسی پوشیده نیست و از اینجا است که پلیس نقش خود را باید درک کند و با مهارت‌های لازم آشنا شده و سیره علمی و عملی خویش را کامل کرده و با تجهیزات و امکانات لازم وارد صحنه شده که بتواند دو امر مهم را به انجام برساند، یکی برقراری امنیت و دیگری حفظ و نگهداری آن و حافظان امنیت با کمک متولیان امر باید برنامه ریزی پایدار و دقیق و عالمانه‌ای را در جامعه اسلامی ادامه داده و آن را نهادینه کرده تا موفق به اهداف خویش گردند و در این تحقیق بعد از بیان اهمیت جامعه اسلامی و معیارهای در نظر او را مورد بررسی قرار داده و آنگاه به نقش پلیس در حفظ آن پرداخته و سپس نتیجه‌گیری و آنگاه پیشنهادات و منابع ارائه می‌گردد.

اهمیت چیست؟

امن، بی ترس، اطمینان آسایش و آرامش قلب و ضد خوف (حسن امید، فرهنگ امید، حرف الف). اصل الامن: طمأنیة النفس و زوال الخوف، اصل امنیت یعنی حاصل شدن آرامش نفس و از بین رفتن ترس (راغب اصفهانی، حرف الف). مفهوم لغوی امنیت- بنابر آن چه نقل شده است- ناظر به یک پدیده نفسانی، ادراکی و احساسی است. امنیت در اصطلاح عبارت است از: حالت فراغت از ترس، تهدید و اضطراب و وضعیتی که در آن ارزش‌های حیاتی مصون مانده و آرامش فکری و روحی و عملی حاصل گردد.

اهمیت و ضرورت امنیت

خداوند در قرآن کریم، سرآغاز همه نعمت‌های بهشتی را سلامت و امنیت می‌داند (ادخلوها بسلام امنین)^۱ که بدون این دو، هیچ نعمتی قابل بهره‌گیری نیست (حتی در این دنیا هم همین طور است).

جالب این‌که بعد از ذکر نعمت سلامت و امنیت در آیه فوق و قبل از بیان نعمت اخوت و برادری مسئله ریشه کن شدن انواع صفات مزاحم، هم چون کینه، حسد، غرور و خیانت ذکر شده است. در حقیقت اگر قلب انسان از این عمل شست‌وشو نشود، نه نعمت سلامت و امنیت فراهم خواهد شد و نه برادری و اخوت، بلکه همیشه جنگ و ستیز است (مکارم، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

امنیت از دیدگاه اسلام

نظام اسلامی، امنیت را در داخل و از کانال برقراری عدالت اجتماعی جست‌وجو می‌کند و رعایت عدالت در هر جامعه‌ای باعث برقراری نظم و آرامش می‌گردد.

۱. سوره حجر، آیه ۴۶.

صادقیان (۱۳۸۴: ۷۳) معتقد است هر جامعه ای که در داخل دچار اختلاف و ناآرامی نباشد، در مقابل دشمنان خارجی نیز قدرت استقامت و ایستادگی را خواهد داشت. تنها راه رسیدن به وحدت و یکپارچگی جوامع، برقراری عدالت اجتماعی است که اسلام منادی آن است. حاصل چنین جامعه‌ای، امنیت است. اما بخش دیگری از امنیت براساس منافع هر کشور در خارج از مرز می‌باشد. تأمین امنیت برون مرزی با متغیرهایی در ارتباط است که از فراسوی مرزها بر امنیت داخلی و تمامیت ارضی کشورها تأثیرگذار است. بنابراین درک این نکته آسان می‌شود که در معادله امنیت یک کشور متغیرهای زیادی مطرح هستند که همگی از درون مرزهای آن کشور سرچشمه نمی‌گیرند. بنابراین کنترل همه آن متغیرها به صرف استفاده از نیروها و ارتباطات داخلی میسر نیست.

اصولاً مفهوم امنیت یک کشور با توجه به تمامیت ارضی و اعمال حاکمیت ملی، این است که آن کشور تحت نظام منتخب و برگزیده مردم بتواند برنامه‌های ملی خود را در اقتصاد، آموزش و گسترش اطلاع‌رسانی به موقع به اجرا بگذارد. از این رو همیشه با منافع قدرت‌های بزرگ در تضاد است و در این راه خواه و ناخواه معارضة نیز وجود خواهد داشت؛ قرآن مجید مطلب را این گونه بیان می‌فرماید:

«و لایزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا»^۱
 «پیوسته با شما کارزار کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند».

معنی واژه جامعه

اجتماع، مردم یک کشور یا یک شهر یا ده (عمید، حسن، ص ۴۴۳). وضع و حالت انسان‌ها که تحت یک قانون مشترک زیست می‌کنند. اجتماع انسانی که تحت

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

قوانین معینی زندگی می‌کنند. گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف خاصی تحت قواعد معین گردهم جمع می‌آیند. اما در جامعه اسلامی افراد مسلمانی که در جایی یا شهری یا مکانی یا کشوری زندگی می‌کنند و معتقد به قوانین الهی هستند صادق است. طرفداران نظریه اصالت افراد معتقدند که پدیده‌های اجتماعی چیزی جز مجموعه‌ای از پدیده‌های فردی نیست و برای درک تحولات اجتماع، درک اعمال و روحيات افراد کافی است. این اشخاص فراموش می‌کنند که خواه در طبیعت و خواه در جامعه، مجموع دارای خواص معینی است. درست است که انسان مجموعه‌ای از سلول‌هاست، ولی دارای خاصیتی است که سلول فاقد آن خاصیت می‌باشد.

هربرت اسپنسر در کتاب خود موسوم به اصول علم اجتماع، می‌گوید:

« اجتماع از افراد تشکیل شده، چنان که بدن از سلول‌ها به وجود آمده است».

ژان ژاک روسو معتقد است: «جامعه حق طبیعی و قبلی است که حقوق مدنی بر طبق قرارداد اجتماعی که با رضایت افراد منعقد گردیده است جانشین آن شده است».

واژه جامعه شناسی هم به معنای شناخت جامعه، آشنایی به انواع جامعه تعریف شده است. علمی که اوصاف کلی و عمومی جوامع انسانی را مطالعه می‌کند (فلسفه علمی شاله، ترجمه دکتر مهدوی).

جامعه اسلامی

در آغاز می‌توان گفت انبیاء با قیام به عدالت و دعوت به عبودیت به عنوان غایت آفرینش و تلاش در راه عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی و حرکت به سوی مقصد نهایی به امنیت در همه وجوه آن تأکید بسیار نموده‌اند.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا وَعَبُدُوهُ وَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

«وعدۀ داده خداوند به کسانی که از شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام می دهند آنها را جانشینان روی زمین قرار می دهیم همانند کسانی که قبل از آنها بوده اند و آنها را متمکن روی زمین می کنیم و دین می دهیم که راضی باشند بعد از خوف و ترس امنیت به آنها می دهیم که مرا پرستش کنند ...»^۱

نیاز به امنیت، به عنوان یک نیاز اساسی، وجوه مختلفی دارد، انسان در جامعه اسلامی به امنیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی؛ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی نیاز دارد. اختلال در هر یک از این امنیت‌ها در روند حرکت انسان تأثیر به سزایی می‌گذارد.

امنیت‌های مورد اشاره در جامعه اسلامی، به هم اتصال و ارتباط دارند و باعث صعود و نزول جامعه می‌شوند، برای مثال اگر امنیت فردی مورد بی‌حرمتی و بی‌توجهی قرار گیرد و در اجتماع انسانی فراموش گردد، دیگر امنیت‌ها هم دست خوش اختلال می‌شوند. البته این نکته قابل اهمیت فراوانی است که امنیت اعتقادی چنان جایگاهی دارد که اگر اختلالی در آن صورت گیرد، در سایر امنیت‌ها اختلال صورت می‌گیرد. هیچ چیز به اندازه فروپاشی امنیت اعتقادی در تزلزل انسان و شخصیت او و حرکت تعالی و کمالی‌اش مؤثر نیست. اگر حریم‌های امنیت اعتقادی به خوبی و به طور مطلوب ترسیم و تنظیم عملی گردد، از سایر تهاجم‌ها به درستی می‌توان مقابله کرد.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

شأن نزول آیه

هنگامی که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و مورد استقبال انصار قرار گرفتند، تمامی عرب بر ضد آنها قیام کردند چنان که آنها ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب را با سلاح بخوابند و صبح را با سلاح برخیزند. این حالت برای مسلمانان دشوار بود، بعضی این مطلب را آشکارا گفتند که تا کی این حالت ادامه خواهد یافت؟ آیا زمانی خواهد رسید که ما با خیال آسوده شب استراحت کنیم و اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما گردد و جز از خدا از هیچ کس نترسیم؟ سوره نور، آیه ۵۵ نازل شد و به آنها بشارت داد که آری چنین زمانی فرا خواهد رسید.

در این آیه خداوند بر گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت «ایمان» و «عمل

صالح» هستند نوید داده است:

۱- خلافت و جانشینی و حکومت روی زمین

۲- نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا

۳- از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی

نتیجه این است که دارای یک امنیت عمومی و فراگیر خواهند شد که دوام آن باقی خواهد بود. توجه به امنیت عمومی در آیات زیادی اشاره شده است که امنیت عمومی جامعه بسیار مورد تأکید قرار گرفته است^۱.

نیاز به امنیت، به عنوان یک نیاز اساسی وجوه مختلفی دارد. انسان در جامعه اسلامی به امنیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیاز دارد. اختلال در هر یک از این امنیت‌ها در روند حرکت انسان تأثیر به‌سزایی می‌گذارد.

امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید:

۱. سوره نساء، آیه ۸۳ سوره بقره، آیه ۱۲۵. سوره آل عمران، آیه ۵۴. سوره انعام، آیه ۸۱ سوره نور، آیه ۵۵. سوره انفال،

آیه ۱۱.

«... همه هدف ما ورود به نشانه‌های دین تو و اظهار اصلاح در شهرهای تو بوده است. باشد که بندگان ستمدیده تو امن و امان یابند و آن کیفرها و احکام تو که از اجرا باز ایستاده است، به جریان بیفتند»^۱.

در این خطبه، حضرت حفظ دین خدا و اظهار اصلاح و تربیت در بلاد و شهرها را ذکر نموده و سپس مسئله امنیت را طرح و آن را برای ستمدیدگان و انسان‌های ضعیف خواستار شده و در حقیقت حضرت اهداف مهمی را ذکر کردند که یکی از آنها تأمین امنیت بندگان و تأمین امنیت از اهداف عالی به شمار می‌آید. زیرا اگر امنیت نباشد هیچ کاری در جامعه انجام نمی‌شود و همه اقسام آن را شامل می‌گردد. زیرا تا زیرساخت اصلی جامعه که امنیت است، موجود نباشد، امنیت با اقسامی که دارد اعم از فردی، خانوادگی، شغلی و ... به نتیجه نخواهد رسید، به خاطر همین است که امنیت‌ها مورد اشاره در جامعه اسلامی به هم اتصال و ارتباط دارند و باعث صعود و نزول جامعه می‌شوند، برای مثال اگر امنیت فردی مورد بی‌حرمتی و بی‌توجهی قرار گرفته باشد و در اجتماع انسانی فراموش گردد، دیگر امنیت‌ها هم حتی امنیت اعتقادی، دست‌خوش اختلال می‌شوند، زیرا جایی برای تفکر صحیح و آرام در محیط امن و آرام وجود ندارد و پاسخ درست و قابل قبولی نیز ارائه نمی‌گردد و پر واضح است که امنیت اعتقادی چنان جایگاهی دارد که اگر اختلالی در آن صورت گیرد، در سایر امنیت‌ها اختلال صورت می‌گیرد و هیچ چیز به اندازه فروپاشی امنیت اعتقادی در تزلزل انسان و شخصیت او و حرکت تعالی و کمالی‌اش مؤثر نیست. اگر حریم‌های امنیت اعتقادی به خوبی و به طور مطلوب ترسیم و تنظیم و عملی گردد با سایر تهاجم‌ها به درستی می‌توان مقابله کرد. به دلیل ارتباط امنیت‌های مختلف، امکان تفکیک آنها وجود ندارد و حصول همه آنها بستگی به

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱؛ مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۸۱

تلاش و کوشش مسئولان مربوطه خصوصاً پلیس می‌باشد. لذا با طرح و برنامه‌ریزی می‌توان بهترین زمینه حفظ را فراهم کرد و اجتماع سالمی را پیش‌بینی نمود.

اجتماع سالم امنیت سالم و پایدار می‌خواهد و امنیت سالم و پایدار و پویا برای تولید امنیت هم در اجتماع زمانی محقق می‌گردد که مجریان و دست‌اندرکاران اجتماع از جمله یکی از آنها طبقه امنیه و پلیس از سلامتی نفس برخوردار باشند. امامیه اثناعشری در مذهب خود، برای استقرار امنیت و عدالت در جامعه اسلامی بر دو اصل تأکید می‌نمایند (اصل امامت و اصل عدالت) و معتقدند این دو اصل باید در همه جریان‌های اجتماعی و سیاسی بسط داده شود (سبحانی، رضایی، اندیشه ۱، ص ۱۱۴؛ عزیزی، غفرازاده، اندیشه اسلامی ۲، ص ۱۶۷). عدل از اسامی خداوند است، عدل یعنی حکم به حق وضع الشی فی موضعه قرار دادن هر چیز در جای خود امنیت سالم بدون عدالت سالم، استقرار پذیر نیست. جهان موزون و متعادل است، اگر نبود بر پا نبود و نظم و حساب و جریان معین و مشخص نبود.

« وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ^۱ ».

در ساختمان جهان تعادل رعایت شده است، در هر چیز از هر ماده‌ای به قدر لازم استفاده شده است. نامعلوم‌ها اندازه‌گیری شده است (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۷۹).

در قرآن تأکید شده است:

« وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ^۲ ».

« اگر اهل جامعه‌ای ایمان آورند و تقوی پیشه گیرند ما برکات و رزق خود را از آسمان و زمین نازل می‌کنیم. » نزول برکات آسمان و زمین اعم از نعمات مادی و معنوی می‌باشد و یکی از آنها نعمت مهم امنیت است که جامعه ایمانی اعتقاد،

۱. سوره الرحمن، آیه ۷.

۲. سوره اعراف، آیه ۹۶.

اعتماد و رشد پیدا کرده و حسن ظن خود را جای سوءظن نشانده و زمینه خوش بینی را فراهم ساخته است. باز می فرماید: «به تحقیق فرستادیم رسولانمان را با بینه‌ها و نشانه‌ها و فرستادیم با ایشان کتاب و میزان را تا قیام نمایند مردم به عدل ...» اقامه عدل و برپایی عدل و رفتار به عدالت عامل مهمی برای رسیدن به قیام برای برقراری امنیت می باشد^۱.

اجتماع سالم و مطلوب داشتن و هم چنین امنیت اجتماعی قطعاً به وسیله عدالت حاصل می شود. حضرت امیر می فرماید: مردمان جز در پرتو عدل به سامانی شایسته دست نیابند (حکیمی، الحیاه، ج ۶، ص ۲۲۰).

یکی از اهداف والای پیامبران الهی برقراری قسط و عدل است که در آیه شریفه آمده: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...» - تا مردم قیام به عدالت کنند و جلوی ظلم و ناامنی را بگیرند^۲.

به هر حال هدف از اعزام این مردان الهی با این تجهیزات کامل همان اجرای «قسط و عدل» است و مردم باید چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت باشند و اهداف بعثت پیامبران را می توان در هدف‌های «فرهنگی» و «اخلاقی» و «سیاسی» و «اجتماعی» خلاصه کرد و از نیازهای عمده در زندگی بشر از جمله حکومت و مسکن است و از آن جا که انسان یک موجود اجتماعی است به تنهایی نمی تواند مشکلات زندگی خود را حل کند، یا به تعبیر دیگر مصالح اجتماع به وسیله اجتماع تأمین می شود (مکارم شیرازی، ج ۳۳، ص ۳۷۷-۳۷۰) و تا عدالت اجرا نشود، امنیت برقرار نخواهد شد و اجرای عدالت مقدمه ای لازم دارد که همان برقراری امنیت می باشد.

۱. سوره حدید، آیه ۲۰.

۲. همان منبع.

مردم به عدل داد و ستد کنند (طبرسی، ج ۲۴، ص ۲۴۰) مقصود از آیات بینات در آیه، آیه‌ای است که به وسیلهٔ رسولان فرستاده که عبارت از معجزات باهره و بشارات واضح یا حجت‌های قاطع و مقصود از کتاب دستوراتی است که مشتمل به معارف دینی از قبیل عقاید حقه و اعمال صالح ... (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۳۵۳).

معجزات روشنی برای اجرای دستورات الهی که تمام نیازهای اقتصادی و امنیتی و اجتماعی جامعه در آن پیش بینی شده است، وجود دارد و معتقدیم که اگر زمینه اجرای احکام و دستورات الهی وجود نداشته باشد، در پیاده شدن فرامین موفق نخواهیم شد و مجریان امنیت نقش به‌سزایی را در این بین ایفا می‌نمایند. در تفسیر این آیه مفسران بحث‌های مفصلی را همانند وجود جهاد و انزال کتب، برقراری قسط و عدل و سیمای مجریان آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و در این نقطه که زمینه‌سازی برای اجرای قسط و عدل لازم و ضروری است مشترکند و قسمت عمده این زمینه‌سازی بر عهده نیروهای انتظامی می‌باشد. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به این منابع مراجعه نمایید (صدرالدین شیرازی، ج ۶، ص ۲۷۳؛ ثعالبی، ج ۴، ص ۲۶۱؛ قرطبی لابی عبدالله، محمدبن احمد الانصاری، ج ۱۷، ص ۲۶۰؛ المرغسی، ج ۲۷، ص ۱۸۳؛ السیوطی، عبدالرحمن، ج ۶، ص ۱۷۷؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۵۳).

دها کتب تفسیری دیگر که در ذیل آیه شریفه مذکور در برقراری امنیت و عدالت جامعه تأکید فراوانی نموده‌اند.

حضرت علی (ع) در تدوین و ترسیم یک جامعه اسلامی در نامه اش به محمدبن ابی بکر می‌نویسد، همه مردمان را به یک چشم نگاه کن، در میان آنان مساوات را رعایت کن و برای همه مردم خود آن چه را دوست بدار که برای خود و خاندانت دوست می‌داری و آن چه را برای خود و خاندانت نمی‌پسندی برای آنان نیز مپسند (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

حسبه و محتسب

محتسب در اصطلاح فوق عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر. نهی کننده از چیزهایی که در شرع ممنوع است. مأمور حکومتی شهر که کار او برای مقادیر و اندازه ها و نظارت در اجرای احکام دین و بازدارنده از مہیات و اعمال نامشروع و آزمایش کننده صحت و پاکی مآکولات و زرع (بیہقی، ص ۵۴۳). محتسب در گذشته قدرت اجرای معروف و منکر را داشت.

وظایف اصلی محتسب

نظارت بر اجرای مقررات مذهبی و منع از اعمال حرام و نظارت بر صحت جریان امور راجع به روابط عمومی افراد جامعه و رفاه حال و زندگی ایشان و بر اوست که در غش و تدلیس معاش و جز آن بنگرد و هم چنین در کیل و وزن که آن چه امروزه بر عهده شهرداری است ناظر باشد. حسبه را جز مردمی از مہتران مسلمانان گردن نگیرند زیرا خدمتی دینی باشد (جرجی زیدان، ج ۱، ص ۱۸۹).

پلیس، جُندالله، حسنی از حسان امنیت جامعه است

حضرت امیرالمؤمنین (ع)، در فرازی از نامه و منشور حکومتی به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک بدان، مردم از گروه‌های گوناگون می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست، از آن قشرها، جنود خدا، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی و .. است».

جندالله و نظامیان و سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار مردمان و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشورند، امور مردم جز با نیروهای انتظامی و نظامی و سپاهی استوار نگردد و پایداری پلیس و سپاه جز به خراج و مالیات مردم انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای

اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی های خود را برطرف سازند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

نقش پلیس در جامعه

پلیس همان‌طور که ذکر شد نظارت کننده و کنترل کننده جامعه است و این کارکرد سستی پلیس در جوامع به شمار می‌رود، اما نکته ظریفی که در این میان نباید از نظر دور داشت، این است که پلیس در جهان امروز قدرتی یافته است که هیچ یک از نهادها و سازمان های دیگر اجتماع در این پایه به آن نرسیده‌اند. امتیاز بزرگ پلیس آن است که علاوه بر این که مظهر حاکمیت (قوة قهریه) است، از نیروی دیگر هم بهره می‌برد و آن تبدیل پلیس به یک نیروی عرفی است. به این معنا که امروز پلیس از شکل یک سازمان صرفاً بروکراتیک، مبتنی بر نصوص قانونی در اجتماع؛ به عنوان محق برای انجام وظایف ذاتی خود پذیرفته شده است. در جوامع امروز و در فضای ذهنی مردم نقش آفرینی امنیتی پلیس در حوزه‌های متنوع امنیت مانند امنیت عمومی، اجتماعی، اخلاقی و ... در باور ملت‌ها جای گرفته است (خرسند، ۱۳۸۴).

شاخص‌های اخلاقی پلیس در جامعه

ملایمت، رفق و مدارا

اگرچه ابتداء به ذهن می‌آید که برخورد پلیس نوعاً با مجرمین و متخلفین در جامعه می‌باشد و بیشترین تلاش آنان برای مقابله با ناهنجاری‌های موجود در جامعه که از افراد نامتعادل سر می‌زند، می‌باشد، اما این بدان معنا نیست که صرفاً وظیفه پلیس مقابله با ناهنجاری‌هاست. در اعتقاد و آموزه های دینی ما پیشگیری از ناهنجاری‌ها مهم‌تر از مقابله با آنها می‌باشد، زیرا برخوردهای سالم بستر ساز گرایش افراد جامعه به خوبی‌ها و هنجارها می‌باشد و ابزار مقابله با افراد متخلف و مجرم نیز ضوابط و

قوانین خاص خود را داراست و اول باید به صورت عموم برخورد شود و سپس با مجرمین و متخلفین به صورت قانونی کامل مقابله گردد، لذا یکی از شاخص‌هایی که پلیس اسلامی می‌تواند جامعه اسلامی را حفظ و در آن مؤثر واقع شود، برخوردار بودن از رفق و مدارا است. خدای رحمن بندگان نمونه خود را یعنی عبدالرحمن را با این گونه اوصاف ممتاز کرده است و فرمود: « وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ... وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا » - و بندگان (خاص) خدای رحمان کسانی اند که روی زمین فروتنانه راه می‌روند و چون نادانان ایشان را مخاطب می‌سازند، سلیمانه پاسخ می‌دهند ... و چون بر امر لغوی بگذرند کریمانه می‌گذرند^۱.

همه بندگان خداوند که صفات او را دارا باشند در تعاملات اجتماعی چنین خواهند بود. هر کسی که تربیت قرآنی - نبوی در وجودش جلوه یابد، اهل رفق و مدارا می‌گردد؛ و گذشت و بزرگواری؛ و ملایمت و آسان‌گیری؛ و حلم و بردباری بر رفتارش حاکم می‌شود و در تعامل اجتماعی گردن‌فرازی نمی‌نماید. نمود چنین رفتاری در رویارویی جاهلانی است که از سر نادانی به بیان سخنان زشت و ناروا می‌پردازند. پاسخ چنین تربیت‌شدگانی «سلام» و «سلم» است؛ مدارا می‌کنند و سلام می‌گویند با سلامی که نشانه بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است، نه ناشی از ناتوانی؛ سلامی که جلوه عدم مقابل به مثل در برابر جاهلان و نابخردان است؛ سلام وداع گفتن با سخنان بی‌رویه است؛ نه سلام تحیت که نشانه پیوند دوستی است. سلامی که نشانه رفق ورزی و بردباری و بزرگواری است و تعامل اجتماعی بدون این امور راه به سلامت نمی‌برد و هیچ انسانی مسیر پرفراز و نشیب عبودیت و بندگی خدا را فارغ از این امور نمی‌تواند به درستی طی کند.

۱. سوره فرقان، آیه ۶۳ و ۷۲.

پیامبر اکرم (ص) خود مرکز ثقل این مدرسه و اوصیای آن حضرت برترین جلوه‌های تربیت شده این مدرسه هستند. از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: *بُعِثْتُ الْجِلْمَ مَرَكْزاً* - برانگیخته شده‌ام که مرکز حلم و بردباری باشم (امام صادق (ع)، مصباح الشریعه، ص ۵۵). آن حضرت رفق و مدارا بود و جز آن‌جا که همه راه‌های مدارا به بن بست می‌رسید، شدت نمی‌نمود.

ریشه رفق و مدارا

مدارا و رفق ورزی و آسان‌گیری و بردباری برخاسته از رحمت و بصیرتی نورانی است و انسان از سر حقیقت این‌گونه نمی‌شود، مگر آن‌که با انوار توحید و معارف الهی تأیید شده باشد (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵۴). آن‌که فطرت انسانی‌اش بیدار و شکوفا باشد و به نور توحید و علم نورانی پیامبر منور شود، اهل رحمت و رفق ورزی، ملائمت و بردباری می‌گردد.

امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید: *«عَلَيْكَ بِالْحِلْمِ فَإِنَّهُ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ»* - بر تو باد به حلم و بردباری که آن میوه دانش و دانایی است.^۱ هرچه روح انسان لطیف‌تر و دانش او عمیق‌تر و دانایی‌اش صحیح‌تر باشد، جهت‌گیری، رفتار و مناسباتش درست‌تر خواهد بود. شناخت درست هستی و خالق هستی، آدمی را منبسط می‌سازد. فهم درست از انسان‌ها و مراتب آنها و ضعف‌ها و قوت‌هایشان تحمل انسان را در تعامل اجتماعی افزون می‌نماید.

الگوی عملی پلیس

تربیت یافتگان مکتب قرآنی و نبوی بردبار هستند و این حلم و بردباری باعث پیشبرد اهداف و موفقیت آنان می‌گردد. مانند مالک اشتر که نمونه‌ای واقعی و مؤثر

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

است و حضرت علی (ع) فرمود: شمشیری از شمشیرهای خدا بود که نه کند می‌شد و نه ضربش بی‌اثر می‌ماند^۱ و برای امیرمؤمنان همان گونه بود که علی (ع) برای رسول خدا (ص) بود (شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۹۸؛ مجالس المومنین، ۱۳۵۴، ش ج ۱، ص ۳۸۷؛ الکنی و الالقاب، ص ۳۰؛ تنقیح المقال فی علم الرجال مامقانی، صص ۴۹-۲۸).

ورام نقل کرده است که روزی مالک اشتر از بازار کوفه می‌گذشت و کرباس خامی بر تن و پاره‌ای از همان کرباس به جای عمامه به سر داشت. یکی از بازاریان که بر در دکانی نشسته بود، چون مالک را دید که با چنان وضع و لباس می‌رود، از سر استحقاق وی، گلوله‌ای از گل بر مالک انداخت مالک حلم ورزید و به او توجهی نکرد و بگذشت. یکی از حاضران که اشتر را می‌شناخت، با دیدن ماجرا به آن بازاری گفت: «وای بر تو، هیچ دانستی که آن مرد چه کسی بود؟» گفت: «خیر». گفت: «او مالک اشتر، صحابی امیرمؤمنان علی (ع) بود». آن مرد بازاری از تصور کاری که کرده بود به لرزه افتاد و در پی اشتر روانه شد تا خود را به او برساند و عذرخواهی کند. دید که اشتر داخل مسجدی شد و به نماز مشغول گردید. صبر کرد تا مالک از نماز فارغ شد. آنگاه سلام کرد و خود را بر پای او انداخت و به عذرخواهی پرداخت، مالک او را برگرفت و گفت: «این چه کار است که می‌کنی؟» گفت: «عذر جسارتی است که نسبت به تو از من رفته است». مالک گفت: «بر تو هیچ گناهی نیست. به خدا سوگند که من از این رو به مسجد آمدم که برای تو استغفار کنم و طلب آمرزش نمایم» (تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲؛ مجالس المومنین، ج ۱، ص ۲۸۸؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۶۸؛ منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۶۰).

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۸.

این گونه مدارا ورزیدن و خویشتن داری کردن و بردباری نمودن برخاسته از معرفت حقیقی و وسعت وجودی است و کتاب الهی و سنت نبوی به همین می‌خواند، هر چه آدمی در معرفت الهی و بندگی بالاتر رود، بر حلم و بردباری و رفق و مدارایی بیشتر دست می‌یابد و آن که در اخلاق اجتماعی این گونه نیست، بهره از بندگی حقیقی ندارد.

انسان در مراتب بندگی، توانایی‌هایی می‌یابد که از جمله توانایی بر خود است (مطهری، ولاء ولاءها، ۱۳۵۵ش، صص ۱۰۴-۸۴). در واقع آن که از خود می‌گذرد خود نگهداری است؛ چنان که از امام مجتبی (ع) سؤال شد که «حلم» چیست؟ فرمود: خشم را فرو خوردن و اختیار خود را داشتن^۱.

خدای رحمان بخشنده و بردباری را دوست دارد و آن که بر جفا و آزار خلق تحمل نیابد و بردباری نکند، نمی‌تواند به رضای پروردگار دست یابد^۲.

با سیاست های جاهل صبر کن
 خوش مدارا کن به عقل من لدن
 صبر با ناهلان را جلاست
 صبر صافی می‌کند هر جا دلیست^۳

انسان رشد یافته کسی است که بر جفاکاری نادانان بردباری کند و به یاری عقل ربانی با آن به خوبی رفق می‌ورزد و مدارا می‌کند و با صبر دل جلا می‌یابد.

پلیس و عدالت اجتماعی

عامل دیگری که تأثیر به‌سزایی در حفظ جامعه اسلامی دارد، برخورد عادلانه پلیس و دارابودن عدالت می‌باشد. زیرا مسئولان نظم و انتظام حاکمانی هستند که حافظان ملت و جان و مال و اعتقادات آنان می‌باشند.

۱. تحف العقول، ص ۱۵۸.

۲. مصباح الشریعه، ص ۱۵۵.

۳. مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات ۲۰۴۱-۲۰۴۰.

برای عدالت اجتماعی آثار و نتایج شگفت فردی، اجتماعی و تکوینی است که هیچ امری چون آن از چنین پیامدهایی برخوردار نیست. با عدالت است که رحمت‌های الهی سرزمین‌ها را به وفور در برمی‌گیرد، چنان که امیر مومنان علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَدَلَ فِي الْبِلَادِ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ»^۱

«هر که در شهرها عدالت را اجرا کند، خداوند رحمت خویش را بر او بگسترده». در واقع عمل نیروهای مسلح و پلیس به فرمان‌های صادرشده و اجرای آنها و ایجاد بستر برای گسترش عدل، می‌تواند نقش و تأثیر مهمی را بر جامعه در جهت حفظ معیارهای اسلامی در آن ایجاد نماید.

در آموزه‌های دینی چون به عدالت عمل شود، رحمت الهی در لباس ریزش نعمت، جهش برکت، گسترش امنیت و زایش رفاهت جلوه می‌یابد و زندگی مردمان به سامان درست می‌رسد و همه چیز در مجرای خودش قرار می‌گیرد. برخی از سخنان پیشوایان دینی گویای این آثار و نتایج است.

«مَا عَمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ»^۲

«هیچ چیز مانند داد شهرها را آباد نمی‌سازد».

«بِالْعَدْلِ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ»^۳

«جامعه و مردمان با اجرای عدالت اصلاح می‌شوند و سامان می‌یابند».

در سایه عدالت است که امنیت همگان و رفاه مردم تأمین می‌شود و زمینه تربیت آنان تدارک می‌گردد و دین و دینداری به درستی بر پا می‌شود و رونق حقیقی می‌یابد.

۱. غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۷.

۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۲۶۴.

۳. غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۳.

امام صادق (ع) فرمود: «در ولایت والی عادل و کارگزارانش هر حق و عدلی زنده می‌شود و هر ستم و جور و فسادی کشته می‌شود و به همین جهت هر کس که در تقویت حکومت او بکوشد و در اداره امور به او مدد رساند، کوشنده در راه طاعت خدا و نیروبخش دین اوست»^۱. در حدیث شریف تصریح دارد که مدد دین خدا به اجرای عدالت است و نیروهای انتظامی و پلیس نیز نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کنند و به انجام می‌رسانند، زیرا فرمان بردن از دین خدا و مدد رساندن به آن در گرو اجرای عدالت است و این گونه است که مردم به صلاح و سامان می‌آیند و وحدت و یکپارچگی تحقق می‌یابد.

حضرت زهرا (س) می‌فرماید: «اتقوا الْعُقُوبَةَ وَ الْإِنْتِقَامَ»^۲

«از ستم و بیداد بپرهیزید که بی‌گمان ستم (مردمان را به شورش کشد و) شمشیر را در میان آرد و بیداد مردمان را به فرار و آوارگی وادارد و کیفر و انتقال (الهی) را شتاب بخشد».

«الْمُلْكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ»^۳

«حکومت با کفر برقرار می‌ماند و با ستم پایدار نمی‌ماند».

کرد بنیاد ملک، ظلم خراب	وقت خورشید، عدل زیر سحاب
چرخ منسوخ کرد آیت عدی	سرنگون گشت باز رایت عدل ^۴

این سخن درستی است که خداوند حکومت عادل را هر چند کافر باشند برقرار می‌دارد و حکومت ستمگر را هر چند که مسلم باشند، پایدار نمی‌دارد، گفته شده که امور عالم با عدل و کفر می‌گردد ولی با ستم و اسلام نمی‌گردد، زیرا نظام و پایداری

۱. الحرائی، تحف العقول، ص ۲۴۶.

۲. غررالحکم، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. مکارم الخلاق، ص ۱۲۵؛ ربیع الأبرار، ج ۳، ص ۴۹۳؛ جامع الأخبار، ص ۱۳۹.

۴. مثنوی های حکیم سنایی، ۱۳۴۸ ش، صص ۱۳۶-۱۳۵.

هر چیزی به عدل است و چون کافر یا حکومت کافری بر آن اساس عمل کند طبق سنت الهی بماند و آموزش بگردد و چون مسلمان یا حکومت مسلمانی ستمگری پیشه کند، دوام نیاورد!

حق این است که گفته شود حکومتی که بر پا دارند، قسط نیست، حکومت دینی نیست و زمامداری که ستمگری پیشه کند، از دین و دینداری هیچ بهره ای ندارد. امام حسین (ع) در پاسخ نامه بزرگان کوفه نوشت: «به جانم که حاکم نیست، مگر کسی که کتاب خدا را عمل کند و قیام به برقراری قسط و عدل کند و دیندار دین خدا کسی است که بر نفس خودش حاکم باشد و او را حبس کرده باشد برای خدا». تسلط بر نفس افراد را به رعایت عدل ملزم کرده و پیشه زندگی خویش را در اجرای عدالت قرار می دهد.

پیشنهادات

- ۱- بیان و توضیح شاخص ها و معیارهای جامعه اسلامی و بکارگیری آنها.
- ۲- تبیین شیوه ها و روش های اخلاق کاربردی در تحقق جامعه مطلوب اسلامی و آثار امنیتی آن.
- ۳- نقش پلیس جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای جامعه اسلامی و برقراری امنیت آن.
- ۴- فرهنگ سازی در جامعه به شیوه های مختلف برای بکارگیری معیارها و دستورات لازم برای برقراری امنیت و آرامش.

۱. الحسبه فی الاسلام و وظائف الحکومه الاسلامیه، ص ۶۸.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو که تلاش برای نشان دادن نقش پلیس در تحقق امنیت جامعه است، نویسنده کوشیده است تا ضمن نشان دادن جامعه ایده آل اسلامی که هدف همه اولیاء و انبیاء است، با کمک آیات و روایات متعدد آن را مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور نامه امام علی (ع) به مالک اشتر که در آن عدالت مفهومی اساسی دارد، در این مقاله جایگاه ویژه دارد که مبنای توجه به امنیت در جامعه اسلامی قرار گرفته است. از آن جایی که براساس قرآن هدف همه انبیاء برقراری قسط و عدل بوده است، لذا تحقق آن نیز از مجاری خاصی صورت گرفته که می‌تواند برای حکام و مسئولین جوامع اسلامی سرمشق و نمونه‌های عینی خوبی باشد. پلیس کشور اسلامی از آن جایی که با پشتوانه تاریخی، روایی، اعتقادی و اخلاقی عظیمی در جهت نیل به امنیت برخوردار است، قطعاً با اندکی بازنگری و بازبینی گذشته خود می‌تواند به اهداف خود نیز در نیل به جامعه آرمانی دست یابد. این مقاله از آن جایی که به دنبال ارائه راه کارهای مناسب با جامعه و پلیس ایرانی- اسلامی است، به ضرورت بحث، هر گاه نیاز شده از آیات و روایاتی برای تأیید راه کارهایی ارائه شده کمک گرفته است. خوشبختانه گنجینه عظیم معارف اسلامی و مهمتر از آن تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام و تجربه‌های مکرر آن، امروزه می‌تواند بسیاری از نیارهای نیروهای امنیتی و انتظامی جامعه را متناسب با باورهای اسلامی پاسخ دهد. قطعاً مقالاتی از این دست در آشنایی پلیس با هویت اسلامی خود و نیز اهمیت مقوله امنیت در اسلام سودمند بود، چرا که اسلام کامل‌ترین تعالیم و آموزه‌ها را دارد و بی‌تردید کاربرست این آموزه‌ها در حوزه امنیت می‌تواند بسیاری از معضلات و مشکلات پیش روی نیروهای انتظامی را مرتفع نماید. نویسنده بر این باور است که این آرزو محقق نمی‌گردد، مگر این که

پلیسی سالم، کارا و معتقد تربیت کرده باشیم و مقالاتی از این دست گاهی در این راستا خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، چاپ بیروت، جلد ۱۵.
۴. ابن کثیر، حافظ. (۷۷۴ ه.ق)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ استانبول، دار قهرمان للنشر و التوزیع.
۵. انصاری، محمدعلی. غررالحکم و دررالکم، چاپ تهران.
۶. امام جعفر صادق (ع). (۱۴۰۰ ه.ق) مصابح الشریعه و مفتاح الحقیقه، مؤسسه الاعلمی المطبوعات.
۷. الثعالبی، جواهر الحسان، فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت لبنان، جلد ۴.
۸. الحسبه فی الاسلام، و وظائف الحکومه الاسلامیه.
۹. الزمخشری، محمود. (۱۴۱۰ ه.ق) ربیع الابرار و مخصوص الخبر، چاپ قم، دارالذخائر.
۱۰. السبّوطی، عبدالرحمن. (۱۴۰۴ ه.ق)، الدر المنشور فی التفسیر بالمأثور، منشورات مکتبه المرعشی النجفی، قم، ایران.
۱۱. الطبرسی، ابی نصر. مکارم الاخلاق، چ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت لبنان.
۱۲. الطبرسی، ابوعلی. (۵۴۸)، تفسیر مجمع البیان تهران، بازار بین الحرمین، مؤسسه مهرآیین، جلد ۲۴.
۱۳. القرطبی، عبدالله محمدبن احمد الانصاری. (۶۷۱)، الجامع الاحکام القرآن، ج دارالحیاء العربی، بیروت لبنان، جلد ۷.

۱۴. الکلینی الرازی، ابی جعفر. م ۳۸۱، *الاصول من الکافی*، جلد ۱ و ۲، تهران، دارالکتب الاسلامی.
۱۵. المراغی، احمد مصطفی. (۱۹۸۵م)، *تفسیر المراغی*، چاپ دارالحیاء اثرات العربی، بیروت لبنان.
۱۶. بلعمی. *ترجمه تاریخ طبری*، چاپ بیروت لبنان.
۱۷. بیهقی. *تاریخ بیهقی*، جلد ۱، چاپ بیروت لبنان.
۱۸. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۹۹ق)، *الحیاء*، چ تهران، نشر الثقاله الاسلامیه، جلد ۶.
۱۹. زیدان، جرجی. *تاریخ تمدن اسلامی*، چاپ تهران، جلد ۱.
۲۰. سبحانی، جعفر. محمدرضایی، محمد. (۱۳۸۵ش)، *اندیشه اسلامی*، چاپ نشر معارف اسلامی، قم، جلد ۱.
۲۱. سنایی، ابوالمجد. (۱۳۴۵ش)، *مثنوی های حکیم سنایی*، محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. شعبه الحرائی، ابو محمد. (۱۳۹۴ه)، *تحف العقول*، قم، منشورات مکتبه بصیرتی.
۲۳. شماله، فلسفه علمی، ترجمه دکتر مهدوی.
۲۴. شیرازی، صدرالدین محمد، انتشارات بیدار، قم جلد ۶.
۲۵. صادقان، سیدجلال. (۱۳۸۱)، «درآمدی بر امنیت و ابعاد گسترده آن»، مجموعه مقالات امنیت عمومی و پلیس، دانشگاه علوم انتظامی.
۲۶. صدوق، ابی جعفر. م ۳۸۱، *جامع الاخبار*، منشورات قم، نشر الکتاب.
۲۷. صدوق، ابی جعفر. (۱۴۰۰ه)، م ۳۸۱، *مالی صدوق*، چاپ بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۳)، *تفسیر المیزان*، قم، چاپ گلشن، جلد ۱۹.
۲۹. عاملی، حر. (۱۳۹۸ق)، *وسایل الشیعه*، چاپ بیروت لبنان، جلد ۷.
۳۰. عزیزی، حسین. غفارزاده، علی. (۱۳۸۵ش)، *اندیشه اسلامی*، چاپ نشر معارف اسلامی، قم، جلد ۲.
۳۱. عمید، حسن. (۱۳۵۸)، *فرهنگ عمید*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۲. قمی، عباس. (۱۳۵۴ش)، *مجالس المؤمنین*، چاپ قم، جلد ۱.
۳۳. قمی، عباس. (۱۳۷۲ش)، *الکنی و الانقلاب*، چاپ قم.

۳۴. قمی، عباس. (۱۳۶۰ش)، *النواظر*، چاپ قم، جلد ۱.
۳۵. قمی، عباس. (۱۳۷۸ش)، *سفیه البحار*، چاپ قم.
۳۶. قمی، عباس. (۱۳۷۵ش)، *منتهی الامال*، چاپ قم، جلد ۱.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۳)، *بحار الانوار*، بیروت مؤسسه الوفاء، جلد ۱۰۰.
۳۸. مصباح الشریعه. (۱۴۰۰ق)، *احادیث امام صادق (ع)*.
۳۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۵ش)، *ولاء و ولاءها*، قم، انتشارات صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰ش)، *مجموعه آثار*، چاپ قم، انتشارات صدرا.
۴۱. معین، محمد. (۱۳۷۶ش)، *فرهنگ معین*، چاپ تهران.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲)، *تفسیر نمونه*، چاپ هدف، قم.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵)، «تفسیر نمونه»، جزء دهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول.
۴۴. ممقانی، عبدالله. (۱۳۵۰ق)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، چ المرتضویه، نجف.